

بررسی و نقد شرح سودی بر بوستان سعدی

اثر: دکتر برات زنجانی

استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

و مهیود فاضلی

(از ص ۲۱ تا ۴۰)

چکیده:

«بوستان» سعدی در میان متون قدیمی ادبیات فارسی از جایگاهی ویژه برخوردار و از دیرباز چه در ایران و چه خارج از آن مورد توجه بوده است. این منظومه ارزشمند به زبانهای گوناگون ترجمه و بسیاری از محققان و منتقدان آن را تصحیح کرده و یا بر آن حاشیه و شرح نوشته‌اند.

یکی از شرحهایی که بر بوستان نوشته شده، شرح «سودی بسنوی»، شارح ترک زبان آثار فارسی است که اصل شرح به زبان ترکی در آسیای صغیر تألیف شده و در ایران به زبان فارسی ترجمه گردیده و به چاپ رسیده است.

آنچه موضوع مقاله حاضر است، معرفی و نقد و بررسی شرح سودی بر بوستان می‌باشد که بخشی از تحقیق گسترده‌تری در قالب پایان نامه دکتری نگارنده است. در این مقاله با بررسی مهمترین ویژگیهای شرح سودی کاستیها و اشکالات یا اشتباهات آن مشخص شده است. این نقاط ضعف و اشکال در معنی لغات و ترکیبات و شرح ابیات و بیان نکات دستوری بوستان و موارد دیگر است.

با وجود نواقص این شرح باید گفت سودی در پیروی از شیوه‌ای معتدل بر اساس شرح لفظی و توجه به جنبه‌های معنوی متن بوستان و تلفیقی از این دو موفق بوده است و نیز با وجود ناآشنایی با دقایق و ظرایف شعر و زبان فارسی توانسته است شرحی ارائه کند که مانند شرحهای دیگر او مفیدترین و موفقترین شرح در نوع خود برای غیر فارسی زبانان است.

واژه‌های کلیدی: شرحهای فارسی و چاپی، بوستان، سعدی، سودی

بسنوی

مقدمه:

همانگونه که سخن سعدی به صفت سهل ممتنع موصوف است، سخن گفتن از او و آثارش هم آسان می‌نماید و هم مشکل. امتیاز و برجستگی سعدی و سخن او را نه تنها مدیون هنر شاعری او باید دانست، بلکه همه آن چیزهایی که مایه توفیق یک اثر هنری فناپذیر باید باشد در سخن او تبلور یافته است. حُسن سلیقه و ذوق سلیم در انتخاب و تنوع قصه‌ها، ایجاز و سادگی، رعایت حد و اعتدال و از همه مهمتر زبان و دل مردم را در نظر داشتن و فهم و ادراک عام و خاص را مورد توجه قرار دادن، سخن سعدی را مطبوع دلها ساخته است.

در میان آثار سعدی «بوستان» خود، دنیایی دیگر است. دنیایی که به تعبیر مرحوم دکتر زرین‌کوب «آفریده خیال شاعر است و از این رو در آن، انسان چنانکه باید باشد و نه آنگونه که هست، چهره می‌نماید.» (باکاروان حله، ج نهم، ۱۳۷۴، ص ۲۵۰)

بوستان سعدی از دیرباز همچون دیگر آثار ارزشمند شیخ، در ایران و خارج از آن مورد توجه بوده است. بنابر سخن تحسین یازیچی «۶۴ سال پس از مرگ سعدی، بوستان در امپراتوری عثمانی توسط شیخ مسعود بن عثمان به صورت تلخیص و با نام فرهنگنامه سعدی در سال ۷۷۵ هـ / ۱۳۵۴ م. به ترکی ترجمه شد.»

(ذکر جمیل سعدی، ج چهارم، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۲۶-۳۲۷)

محبوبیت سعدی و بوستان او را در شبه قاره نیز از کمیّت و تعداد فراوان نسخه‌های خطی این کتاب، که بسیاری از آنها به لحاظ خط و تذهیب نمونه است، چاپهای متعدد و ترجمه‌ها و شرحها و فرهنگنامه‌های بوستان و تدریس این کتاب در مدارس سنتی دینی و مراکز جدید آموزش و پرورش می‌توان دریافت.

در اروپا نیز از قرن هفدهم میلادی به بعد سعدی مورد توجه قرار گرفت و اولین ترجمه از آثار او در این دوره به چاپ رسیده است. نخستین ترجمه‌ای که از بوستان به زبان لاتینی شده، توسط «توماس هاید» انگلیسی (۱۶۳۶ م. - ۱۷۰۳ م.) بوده ولی انتشار پیدا نکرده است و پس از آن ترجمه‌های زیادی از این کتاب به زبانهای

اروپایی انجام شده است.

در ایران هم درباره بوستان سعدی پژوهشها و نوشته‌های گوناگون پدید آمده است. براساس تحقیق دکتر کاوس حسن‌لی در رساله دکتری ایشان با عنوان «سعدی پژوهی در یک سده اخیر»، بیشترین رویکرد به آثار سعدی پس از کتاب «گلستان» به بوستان بوده است که در مجموع ۶۶۱۳ مورد در فاصله سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۷۹ هجری شمسی و شامل ۴۰۱۹ کتاب و ۲۵۹۴ مقاله می‌باشد. (کتاب ماه، «ادبیات و فلسفه»، ش ۵ و ۶، فروردین ۷۹)

بخشی از آثار تألیف شده پیرامون کتاب بوستان، شامل شرحهایی است که بر آن نوشته شده است. استفاده از بوستان دشوارتر از گلستان است. نخست به سبب منظوم بودن و رعایت ضروریات شعری در آن و دیگر اینکه بوستان با همه مزایایی که داراست، یکدستی گلستان را ندارد. از این رو بیش از گلستان نیازمند شرح و تفسیر است. با توجه به این نکات، ارزش و اهمیت شرحهای بوستان روشن می‌شود. اولین شرحهایی که بر بوستان نوشته شده در کشورهای شبه قاره و آسیای صغیر بوده است و از نظر کمیت شرحها نیز این مناطق در درجه اول قرار دارد.

از آنجا که تاکنون درباره شرحهای بوستان سعدی، روش تدوین، ویژگیها، نقاط قوت و ضعف آنها پژوهشی صورت نگرفته است، شرحهای این کتاب، که به زبان فارسی نوشته یا ترجمه شده و در ایران به چاپ رسیده است، به عنوان موضوع پایان نامه نگارنده مورد بررسی و نقد قرار گرفت، تا از این طریق روش ادیبان و استادان پیشین و حاضر را در نقد و شرح متون فارسی بنمایانیم و طرحی از تلقی و دیدگاه آنان درباره مشکلات و غوامض یکی از آثار بزرگ زبان فارسی ارائه دهیم و در نهایت بخشی از تاریخ ادبیات فارسی را در حوزه شرح نویسی، که تاکنون کمتر بدان توجه شده است، روشن کرده و زمینه را برای تدوین و ارائه شرحی جامع از بوستان سعدی فراهم سازیم.

از آنجا که معرفی کامل و بررسی و نقد تمام شرحهای بوستان در این مقال

نمی‌گنجد، تنها به معرفی و نقد شرح یکی از آنها می‌پردازیم و قبل از آن شرحهای دیگر را به اختصار معرفی می‌کنیم:

۱- شرحهای فارسی چاپی بوستان در ایران

شرح نویسی بر بوستان به صورت کامل در ایران از سال ۱۳۵۴ ه.ش با شرح استاد محمدعلی ناصح شروع شده و قبل از آن شرحها به صورت حاشیه نویسی یا شرح لغات بوده است؛ که جدّیترین و نخستین کار در این بخش، بوستان به اهتمام و تصحیح و حواشی مرحوم جلالی نائینی است که در سال ۱۳۱۷ ه.ش. منتشر شده و پس از آن بوستان به تصحیح و حواشی عبدالعظیم قریب در سال ۱۳۲۸ ه.ش. به چاپ رسیده است. همچنین نورالله ایران پرست در سال ۱۳۵۲ ه.ش. با مقابله هفت نسخه خطی و ده نسخه چاپی بوستانی منتشر کرده که در ذیل صفحات شرح لغات دارد.

شرحهای کامل بوستان پس از شرح مرحوم محمدعلی ناصح که به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر منتشر شده است، عبارت است از: شرح مرحوم خزائلی، شرح مرحوم دکتر غلامحسین یوسفی و شرح دکتر رضا انزابی نژاد و دکتر قره‌بگلو، که هر کدام از این شرحها حاوی نکات سودمند و راهگشا در حل مشکلات بوستان است. بجز شرحهای نام برده شده، «سودی بسنوی»، شارح ترک زبان نیز شرحی بر بوستان سعدی نوشته است. این شرح در آسیای صغیر و برای خوانندگان ترک زبان بوستان منتشر شده و در ایران ترجمه گردیده و به چاپ رسیده است. با توجه به اهمیت این شرح، به عنوان یکی از شروحی که در خارج از ایران تألیف شده در تحقیق حاضر ترجمه این شرح را نیز مورد نقد و بررسی قرار داده‌ایم.

۱-۱- شرح بوستان از سودی بسنوی

شرح بوستان سعدی از محمد سودی بسنوی، ترجمه و تحشیه و تهیه متن انتقادی از دکتر اکبر بهروز، چاپ اول، تبریز، ۱۳۵۲ ه.ش. ۲ جلد، ۱۵۲۷ صفحه.

محمد افندی سودی بسنوی (متوفی به سال ۱۰۰۵ یا ۱۰۰۶ هجری) علاوه بر شرح بوستان، شرحهایی نیز بر گلستان سعدی و غزلیات حافظ و مثنوی مولوی نوشته است که بنا به نظر دکتر مرتضوی در مقدمه شرح سودی بی تردید از مفیدترین شرحهایی است که بر این کتابها نوشته شده است. (شرح سودی بر بوستان، ترجمه دکتر اکبر بهروز، ۱۳۵۲، ص دوازدهم)

تاریخ دقیق نگارش شرح سودی در مقدمه شارح بر کتاب معلوم نشده ولی کتاب در سال ۱۲۸۸ هجری در مطبعه عامره چاپ شده است. بنا به تحقیق و اظهار نظر مترجم شرح، دکتر اکبر بهروز شرح سودی بیش از یک بار چاپ نشده و ترجمه شرح نیز از روی همین نسخه منحصر به فرد صورت گرفته است. آنچه بر اهمیت ترجمه شرح سودی بر بوستان افزوده این است که مترجم، بیتها را از روی نسخه سودی نقل کرده و با دو نسخه تصحیح مرحوم محمد علی فروغی و رستم علی یف تطبیق داده و نسخه بدلها را در زیر صفحات آورده است.

۱-۲- نقد شرح سودی

۱-۲-۱- تکیه بر شرح و توضیح لغات و معنی واژه‌های ساده که در مواردی محل

تأمل و اشکال است

شرح سودی شرح کامل و مفصلی از بوستان سعدی است که در آن از آغاز دیباچه تا پایان باب دهم، بیت به بیت این منظومه از نظر لغوی به تفصیل شرح شده است. در این شرح، لغات و ترکیبات ساده فارسی، حتی انواع حروف با توضیحات مفصل و تکراری همراه است. البته این ویژگی برای خواننده ترک زبان بوستان، که مخاطب اصلی سودی و با زبان فارسی ناآشناست، مفید و راهگشا تواند بود؛ اما خواننده فاسی زبان را دچار ملالت می‌کند.

سودی در معنی کردن لغات و اصطلاحات، گاه به تعبیر و تفسیرهای بسیار و اظهار فضل‌های بیجا پرداخته و با این همه هنوز معنی روشن، دقیق و قانع‌کننده‌ای به

دست نداده است. در مواردی نیز معانی ارائه شده محل تأمل و اشکال است. نکته دیگر که با بررسی شرح سودی دانسته می‌شود، گرایش او به عربی مآبی است، که هم در روش اعراب گذاری و هم در شرح لغات دیده می‌شود. سودی اعراب هر کلمه را به تفکیک حروف فارسی و عربی آن کلمه مشخص و از اصطلاحات زبان عربی استفاده کرده است. (مثلاً «چاشت» با چ عجمی و سکون باقی؛ «حفرق» به فتح «ح» حُطی و...) همچنین در موارد بسیاری برای معنی کردن کلمات ساده فارسی مترادف عربی آنها را ذکر کرده است.

نمونه‌ها و شواهد زیر مصداقهای بارزی است از شیوه معنی کردن لغات در شرح سودی که بعضاً محل تأمل نیز هست:

به میخانه در سنگ بر دَن زدند کدو را نشانند و گردن زدند

«کدو: به فتح و ضم «د» یعنی کدو، که عرب «قرع» گوید به فتح «ق». (ترجمه شرح

سودی / ۹۳۲)

می لاله گون از بط سرنگون روان همچنان کز بط کشته خون

«بط: به فتح «ب» و تشدید «ط» یعنی صراحی به شکل پهن...» (ترجمه شرح سودی

/ ۹۳۲) (سودی لغت «بط» را در این بیت با تسامح معنی کرده است. «بط» در مصراع اول به معنی صراحی و جام باده است که به شکل بط (مرغابی) می‌ساخته‌اند و در مصراع دوم به معنی خود مرغابی است.

شنیدم که فرزانه حق پرست گریبان گرفتش یکی رند مست

«رند: یعنی فاسق...» (ترجمه شرح سودی / ۹۴۴) (کلمه «رند» نیز در این بیت به دقت

معنا نشده است. دکتر غلامحسین یوسفی در شرح خود این کلمه را چنین معنا کرده است: «رند در اینجا یعنی بی‌قید، کسی که به وظایف و آداب و رسوم عمومی پابند

نباشد، لاابالی، میخواره. (شرح دکتر یوسفی، ج ششم، ۱۳۷۹، ص ۳۲۶)

شنیدم که شاپور دم در کشید چو خسرو به رسمش قلم در کشید

«دم: در اینجا یعنی نفس. مراد از «دم در کشیدن» به «تکلم در آمدن است؛ یعنی

«گفت» و جایز است که کنایه از آه کشیدن باشد.» (ترجمه شرح سودی / ۱۷۴) (بر خلاف نظر سودی، «دم در کشیدن» در همه فرهنگها به معنی خاموش ماندن و سکوت کردن آمده است و در این بیت نیز به همین معنی می باشد).

که تاجم کرد آن زر از گربزی پراکنده شد لشکر از عاجزی

«گربزی: به ضمّ «ک» عجمی و «ب» عربی و سکون «ر» در اینجا به معنی قوت و غالب است.» (ترجمه شرح سودی / ۳۶۳) کلمه «گربزی» به معنای حيله گری، مکاری، زیرکی، دلاوری و دلیری است و در این بیت معنای «حيله گری» مناسبتر می نماید.

چو چشمار آنکه خورند از تو سیر که از بام پنجه گز افتی به زیر

سودی «چشمار» (ضبط همه نسخه‌های بوستان «چشمارو» است) را نام کوهی در همدان دانسته که در یک طرف آن صخره‌ای درخشان همانند دیوار وجود دارد به ارتفاع ۴۰ گز و طولش دو برابر ارتفاع. او از قول یکی از فضیلاي عجم نقل می کند که اصل این کلمه «چشمه آر» است... (شرح سودی / ۷۱۱) گفتنی است هیچیک از شارحان دیگر بوستان کلمه «چشمارو» را به معنی مورد نظر سودی نگرفته‌اند. مرحوم ناصح آن را به معنی «افسون و گرداننده چشم بد» و مرحوم دکتر خزائلی به معنی «حلوایی که برای دفع چشم زخم از کسی می‌پزند» دانسته‌اند، مرحوم دکتر یوسفی و دکتر انزابی نژاد «چیزی که به منظور دفع چشم زخم از انسان، حیوان، باغ، کشتزار، خانه و جز آن بسازند» معنی کرده‌اند.

۱-۲-۲- توضیحات اضافی و غیر لازم و اطناب در شرح ابیات ساده

این ویژگی در شرح سودی نمونه‌های زیادی دارد. سودی همانطور که درباره لغات و ترکیبات ساده بوستان توضیحات مفصل داده، در شرح ابیات ساده نیز طریق اطناب را پیموده و در مقابل ابیاتی را، که نیازمند شرح و توضیح بوده، فرو گذاشته است. به عنوان نمونه در باب اول بوستان، ابیات ساده‌ای چون:

دل و کشورت جمع و معمور باد زملکت پراکندگی دورباد

*** (ص ۱۲)

شهنشاه گفت از کجا آمدی چه بودت که نزد ما آمدی

*** (ص ۱۹۷)

چه دیدی در این کشور از خوب وزشت بگو ای نگو نام نیکوسرشت

*** (ص ۱۹۷)

شرح شده یا بهتر است گفته شود از نظم به نثر برگردانده شده است و ابیات زیر:

زبان همه حرفگیران ببست که حرفی بدش بر نیامد زدست

*** (ص ۲۰۷)

حسودی که یک جو خیانت ندید به کارش نیامد چو گندم تپید

*** (ص ۲۰۷)

ز روشن دلش ملک پرتو گرفت وزیر کهن را غم نو گرفت

(ص ۲۰۷)

که نیازمند شرح بوده - بویژه بیت «حسودی که یک جو...» که سودی مصراع دوم را به گونه متفاوت با بقیه نسخه‌ها ضبط کرده - بدون هیچ توضیحی رها شده است. در مواردی نیز با همه توضیحات و شرح و تفصیل و تعبیر و تفسیرهایی که شده، هنوز بیت به صورت روشن معنی و شرح نشده است. ابیات متعددی نیز شرحی ناقص یا محل تأمل و اشکال دارد. نمونه‌هایی از این اشکالات و نواقص را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

نه باران همی بارد از آسمان نه بر می‌شود دود فریاد خوان

«محصول بیت: نه از آسمان باران می‌بارد که نباتات بروید و مردم به آسایش برسند، نه دود فریاد خوانان بلند می‌شود، یعنی دود فریادکنندگان به آسمان نمی‌رود که ابر شده باران ببارد.» [!] (ترجمه شرح سوری / ۳۳۳) سودی از مصراع دوم این بیت معنی غریبی استنباط کرده است. معنی صحیح چنین است: آه دردمندان و

مستمندان به آسمان نمی‌رسد، یعنی تأثیر نمی‌کند.

نگه کرد کای دلبر پیچ پیچ زیغما چه آورده‌ای گفت هیچ

«محصل بیت: پادشاه به ایاز نگاه کرد و گفت: ای دلبر دارنده محبت پیچ پیچ [!]
از یغما چه به دست آورده‌ای؟...» (ترجمه شرح سودی / ۸۱۶) معلوم نیست «دلبر دارنده
محبت پیچ پیچ» که سودی معنی کرده چه نوع دلبری است! «دلبر پیچ پیچ» در این
بیت سعدی یعنی دلبر پرناز و غمزه. (شرح بوسنی بر بوستان، ص ۳۱۱)

پس از هوشمندی و فرزانیگی به دف برزدندش به دیوانگی

«محصل بیت: آن دلداده پس از هوشمندی و فرزانیگی، یعنی در عین حال که
عاقل و دانا بود، عشق او را به حالتی در آورد که به سبب جنون و دیوانگی اش او را با
دف و دایره می‌زدند، یعنی تمسخر می‌کردند.» (ترجمه شرح سودی / ۸۳۸) در لغتنامه
دهخدا «به دف بر زدن کسی» رسوا کردن او از راه دف زدن معنی شده است. در این
مصراع نیز معنی این است که او را به دیوانگی مشهور و رسوایش کردند، نظیر کوس
رسوایی او بر سر بازار زدند.» (شرح بوسنی، ص ۳۱۵)

من اول که این کار سرداشتم دل از سر به یکبار برداشتم

«سر: به معنی سودا و هواست. محصل بیت: من اول که کار عشق را سودا کردم،
یعنی عاشق شدم، دل یکمرتبه از سر برداشتم، یعنی از حیاتم قطع امید کردم.»
(ترجمه شرح سودی / ۸۶۶) «سر» در مصراع اول به معنی سودا و هوا نیست، بلکه با مصدر
«داشتن» مصدر مرکب «سرداشتن» را ساخته که به معنی آغاز و شروع کردن است و
معنی بیت نیز چنین است: من از همان اول که کار عشق را شروع کردم و قدم در این
راه گذاشتم، از جان خود دست کشیدم.

۱-۲-۳- توضیحات دستوری شرح که غلط و قابل تأمل است یا با قواعد دستور

زبان فارسی سازگار نیست.

یکی از مواردی که سودی در شرح خود بر آن تکیه و تأکید بسیار دارد، تعیین نوع

و نقش دستوری کلمات است که در موارد زیادی اظهار نظرهای او محل تأمل است. این موارد شامل مصادر، صرف و اشتقاق افعال، افعال مرکب، صفات، ترکیبهای اضافی و وصفی، حروف و... می شود. همچنین سودی از اصطلاحات دستور زبان عربی استفاده و از قواعد آن پیروی کرده است. مثلاً به جای مسندالیه و مسند اصطلاح مبتدا و خبر را به کار برده است. نمونه‌هایی از اظهار نظرهای دستوری سودی:

الف - مصادر و صرف و اشتقاق افعال

سودی برای ریشه مضارع افعال، مصدر مستقلى قایل شده و به جای مصدرهای اصلی این افعال، مصدری جعلی ساخته است. او بر این رأی و نظر خود به حدی مطمئن و مصرّ است که نظریات صحیح شارحان قبل از خود را در اینگونه موارد بصراحت رد کرده و خطا و نادانی را به آنان نسبت داده است. نمونه‌هایی از این ویژگی شرح سودی:

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

«باید دانست که «آفریدن» و «آفرینیدن» مصدرند به معنی خلق کردن. پس آنکه گفته «آفرین» فقط مشتق از «آفریدن» است به احوال اشتقاق آشنا نبوده است. (ترجمه شرح سودی ۲/)

دو کونش یکی قطره در بحر علم گند بیند و پرده پوشد به حلم

«بیند: فعل مضارع مفرد غایب است از «بینیدن» آنان که از «دیدن» گرفته‌اند، خطای فاحش نموده‌اند، فتدبر» [!] (ترجمه شرح سودی، ۹)

و گر ترک خدمت کند لشکری شود شاه لشکرش از وی بری

«کند: فعل مضارع مفرد غایب از «کنیدن»، آنان که از «کندن» گرفته‌اند، خطا کرده‌اند.» (ترجمه شرح سودی ۱۴/) بدیهی است که هم سودی و هم آنان که «کند» را از مصدر «کندن» گرفته‌اند، خطا کرده‌اند، فعل مصراع اول به صورت فعل مرکب و «ترک کردن» است.

دهد نطفه را صورت چون پری که کردست بر آب صورتگری
«دهد: فعل مضارع مفرد غایب از «دهیدن» به معنی دادن» [!] (ترجمه شرح سودی
۳۴/)

خرابی کند مرد شمشیر زن نه چندان که دود دل پیرزن
«شمشیر زن: ترکیب وصفی است از «زنیدن»، از «زدن» نیست.» (ترجمه شرح سودی
۱۶۱/)

تکاپوی ترکان و غوغای عام تماشاکنان بر در و کوی و بام
«تکاپوی ترکان: «تکا» مشتق از «تکیدن»...» (ترجمه شرح سودی ۷۱۵/ تکاپوی از
«تک» و «پوی» (اسم یا ریشه فعل مضارع + ریشه فعل مضارع) ترکیب شده است.
سودی در جای دیگر درباره «تک» اظهار نظری مغایر با این دارد: «تک» به ضم «ت» اسم
مصدر است، تک و پوی می‌گویند به معنی رفت و آمد به تعجیل، پس آنکه گفته «تک»
در اینجا از «تکیدن» مصدر است، مصدر را نمی‌دانسته است.» (ترجمه شرح سودی ۴۸/
نمونه‌هایی از این دست در شرح سودی بسیار است که به نقل همین مقدار اکتفا
می‌شود.

ب - افعال مرکب و پیشوندی

سودی درباره افعال مرکب و پیشوندی که در ابیات بوستان به کار رفته نظر
خاصی دارد و جزء غیر صرفی این افعال را مفعول صریح جزء صرفی آنها دانسته یا
این دو جزء را جدا کرده و معنایی مستقل از هر یک ارائه کرده است. در صورتی که
در افعال پیشوندی و مرکب، جزء غیر صرفی در کنار جزء صرفی معنایی واحد و
جدید از فعل می‌سازد. به نمونه‌هایی از این ویژگی در شرح سودی توجه شود:

یکی را به سر بر نهد تاج بخت یکی را به خاک اندر آرد زتخت

«بر: حرف استعلاست. نهد: فعل مضارع مفرد غایب است از «نهدن» به معنی
گذاشتن و وضع... «اندر: ادات ظرف است و جایز است که «ب» حرف ظرف باشد
و «اندر» آن را تأکید کند. «آرد» فعل مضارع مفرد غایب از «آریدن» که مخفف

«آوردن» است. (ترجمه شرح سودی ۲۲/۲) در مصراع اول فعل پیشوندی «برنهاد» از مصدر «نهادن» است و نه «نهدن» (که سودی قایل شده است) در مصراع دوم نیز فعل مرکب «اندر آوردن» به معنی از پا در آوردن، فرو افکندن، کشتن و از بین بردن است. (لغتنامه دهخدا، ذیل «اندر»)

به تهدید اگر بر کشد تیغ حکم بمانند کروبیان صم و بکم

«بر: حرف تأکید است. کشد: فعل مضارع غایب است از کشیدن...» (ترجمه شرح سودی ۲۶/۱) «بر کشیدن» مصدر پیشوندی و به معنای بیرون کشیدن، بیرون آوردن، برهنه کردن تیغ و... می باشد. (لغتنامه دهخدا)

به پای طلب ره بدانجا بری وز آنجا به بال محبت پری

«ره: مفعول صریح «بری» است.» (ترجمه شرح سودی ۵۵/۱) «راه برد» فعل مرکب و به معنی راه یافتن، رسیدن، نایل شدن و پیوستن است. (لغتنامه دهخدا)

چو در دوستی مخلصم یافتی عنانم ز صحبت چرا تافتی

«تافتی: فعل ماضی مفرد مخاطب، «عنان» هم مفعول صریح آن است.» (ترجمه شرح سودی ۷۰/۱) «عنان تافتن» فعل مرکب و مجازاً به معنی روی برگردانیدن و سرپیچی کردن است. (لغتنامه دهخدا)

ج- صفات و ترکیبهای وصفی

در شرح سودی تمام صفت‌های مرکب با عنوان ترکیب وصفی یاد شده و از انواع صفات دیگر مانند صفات ساده، فاعلی، مفعولی، پرسشی و... سخنی به میان نیامده است. همچنین در توصیف ساختها و صیغه‌های دستوری زبان فارسی از اصطلاحات دستور زبان عربی استفاده شده است. مثلاً اسم فاعل به جای صفت فاعلی، اسم مفعول به جای صفت مفعولی، متکلم وحده به جای اول شخص مفرد و... موارد زیادی از این ویژگی شرح سودی می توان ذکر کرد، اما در اینجا برای پرهیز از اطاله کلام به نقل چند نمونه بسنده می شود:

خداوند بخشنده دستگیر کریم خطابخش پوزش پذیر

«بخشنده: اسم فاعل است از «بخشیدن» دستگیر: ترکیب وصفی است مشتق از «دست» و «گیر» **خطابخش**: ترکیب وصفی است از «بخشیدن»، **پوزش پذیر**: ترکیب وصفی است. «پوزش» اسم مصدر است از «پوزیدن» به معنی عذر، «پذیر»: اسم است از «پذیریدن»، در اصل «پذیرنده پوزش» بود که نظیر آنچه گذشت، ترکیب وصفی شده است. (ترجمه شرح سودی / ۳-۴) در دستور زبان فارسی «بخشنده» صفت فاعلی مرکب و «دستگیر» و «خطابخش» و «پوزش پذیر» صفات فاعلی مرکب مرخم هستند.

اگر خشم گیرد به کردار زشت چو باز آمدی ماجرا در نوشت

«به کردار: «به» حرف تعلیل است. کردار به فتح «ک» عربی در اصل ترکیب وصفی است همانند دیدار و رفتار. زیرا «کرد» اسم مصدر است به معنی فعل، مشتق از مصدر «کردن». «ار» با الف ممدود، مرخم «آرنده» است به معنی «آورنده». بعداً مجموع مرکب را در معنی «کار» استعمال کرده‌اند. (ترجمه شرح سودی / ۹-۱۰) کردار، دیدار و گفتار در دستور زبان فارسی اسم مصدر به شمار می‌روند. سودی درباره کلمه «دیدار» در جای دیگر چنین اظهار نظر کرده است: «دیدار در اصل اسم منقول است از ترکیب وصفی به معنی چهره» (ترجمه شرح سودی / ۲۳۹)

بزرگان روشندل نیکبخت به فرزانی تاج بردند و تخت

«روشندل و نیکبخت هر دو ترکیب وصفی هستند به معنی دارنده دل خوش و طالع خوش.» (ترجمه شرح سودی / ۳۷۲) «روشندل» و «نیکبخت» هر دو صفت مرکب از صفت + اسم هستند.

د- ترکیبهای اضافی

یکی دیگر از مواردی که سودی در شرح خود بدان بسیار توجه کرده است، تعیین نوع اضافات است. او در شرح گلستان و در صفحات آخر آن، ضمن فهرستهای گوناگون «فهرست اقسام اضافات» را نیز آورده است. در این فهرست پانزده نوع اضافه با ذکر نمونه آمده است. (شرح سودی بر گلستان سعدی، ترجمه حیدر خوش

طینت، ۱۳۴۹، ص ۱۰۷۱)

یکی از اضافه‌هایی که در این فهرست آمده و در شرح بوستان نیز بسیار به چشم می‌خورد «اضافه لامیه» است. سودی در توضیح این نوع اضافه نوشته است: «اضافه لامیه اضافه‌ای است که از آن معانی تملک، اختصاص، نسبت و تعلیل افاده شود؛ مثل جام جمشید، گنج قارون، اهل ستم، کتاب احمد.» (همان جا) با توجه به این تعریف معلوم می‌شود سودی تمام اضافه‌های ملکی، تخصیصی و در بعضی موارد اضافه‌های مجازی را با عنوان اضافه لامیه آورده است. همچنین در اغلب موارد، موصوف و صفتها یا ترکیبهای وصفی را اضافه بیانیه یا بیانی نامیده و توضیح داده که اضافه موصوف به صفت است. اضافه‌های تشبیهی و استعاری نیز در تقسیم بندی سودی جزء اضافه بیانیه قرار گرفته است.

همچنین سودی از اضافات دیگری نام برده است که در دستور زبان فارسی وجود ندارد؛ مثل اضافه اسم فاعل به مفعولش، اسم فاعل به مصدر، مصدر به فاعلش، اسم مفعول به قائم مقام فاعلش. شواهدی برای انواع اضافات در شرح سودی:

سر پادشاهان گردن فراز به درگاه او بر زمین نیاز

«اضافه «سر» به «پادشاهان» لامیه است. اضافه «پادشاهان» به «گردن فراز» بیانیه است، یعنی اضافه موصوف به صفتش می‌باشد. «درگاه او» اضافه لامیه است.» (ترجمه شرح سودی / ۶) در تصحیح نظر سودی باید گفت که «سر پادشاهان» اضافه تخصیصی و به اعتباری اضافه ملکی است. «پادشاهان گردن فراز» نیز موصوف و صفت و «درگاه او» اضافه تخصیصی است.

اگر بر جفا پیشه بشتافتی که از دست قهرش امان یافتی؟

«دست قهر: اضافه بیانیه است. (ترجمه شرح سودی / ۱۱) «دست قهر» اضافه استعاری است.

ادیم زمین سفره عام اوست بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست
سودی تمام ترکیبهای این بیت را اضافه بیانیه دانسته است. (ترجمه شرح سودی

۱۶-۱۷) در حالی که «ادیم زمین» اضافه استعاری و «سفره عام» اضافه تخصیصی و به اعتباری موصوف و صفت و «خوان یغما» نیز اضافه تخصیصی است.

نه بر اوج ذاتش پرد مرغ وهم نه در ذیل وصفش رسد دست فهم
«مرغ وهم» و «ذیل وصف» به ترتیب اضافه بیانیه و لامیه گرفته شده است. (ترجمه شرح سودی / ۴۲) حال اینکه، «مرغ وهم» اضافه تشبیهی و «ذیل وصف» اضافه استعاری است. مرغ وهم: اضافه تشبیهی و ذیل وصف: اضافه استعاری است.

به خرده توان آتش افروختن پس آنگه درخت گشن سوختن
سودی «درخت گشن» را اضافه بیانیه دانسته در حالی این ترکیب، موصوف صفت است. (ترجمه شرح سودی / ۲۱۸)

چو خضر پیمبر که کشتی شکست وز آن دست جبار ظالم ببست
«خضر پیمبر: اضافه بیانیه است. دست جبار ظالم: اضافه‌های لامیه و بیانیه است.» (ترجمه شرح سودی / ۴۴۵) ترکیبهای فوق نیز به ترتیب اضافه توضیحی، ملکی و «جبار ظالم» نیز موصوف و صفت است.

ه - حروف

در شرح سودی در موارد متعدد به نوع حروف متن بوستان اشاره شده است که ۹۰ درصد این اشارات، تکراری است و باعث افزایش حجم شرح شده است. حروفی که در دستور زبان فارسی «ربط» نامیده می‌شود، مانند: که، تا، چون و... در شرح سودی «حرف تعلیل» و حروف اضافه مثل، در، به، بر، با و... حرف صله، مصاحبت، استعلا و ظرف نامیده شده است.

براساس بررسی انجام شده تنها در شرح دیباچه بوستان ۱۹۲ بار به حروف و انواع آنها اشاره شده که از این تعداد «که» (حرف رابط) ۲۶ بار، «که» (حرف تعلیل) ۲۲ بار، «به» (حرف ظرف) ۱۱ بار، «بر» (حرف صله) ۹ بار، «در» (حرف صله) هشت بار، «ب» (حرف استعلا) هفت بار، «در» (حرف ظرف) پنج بار، «را» (اقسام مختلف) شش بار تکرار شده است. از ارائه شواهد و نمونه‌ها برای جلوگیری از

اطاله کلام پرهیز می شود.

نکته دیگری که در اظهار نظرهای دستوری سودی قابل بحث است، درباره ضمایر و مرجع آنها و تعیین فاعل جملات در ابیات بوستان است. از نظر او هر فعل به سیاق زبان عربی باید ضمیری مستتر داشته باشد. سودی در موارد زیادی فاعل جمله را ضمیر مستتر در فعل آن جمله دانسته و مرجع ضمیر را به اسمی، که در جمله وجود دارد و در حقیقت فاعل است، برگردانده است. مثلاً در بیت:

مراعات دهقان کن از بهر خویش که مزدور خوشدل کند کار بیش

سودی نوشته است: «فاعلِ «کند» ضمیر مستتر راجع به «مزدور» است...» (شرح سودی / ۱۵۸) شاید منظور سودی از ضمیر مستتر «شناسه» باشد که در این صورت هم در فعل «کند» حرف «د» شناسه و «مزدور» فاعل است.

۱-۲-۴- رد آرای شارحان دیگر

یکی دیگر از ویژگیهای شرح سودی نقد و رد آرا و نظریات شارحان دیگر بوستان است که تا زمان او به زبان ترکی یا فارسی این کتاب را شرح کرده بودند. شارحانی که در شرح سودی از آنها نام برده شده لامعی، شمعی، سروری و کافی هستند که در آسیای صغیر شروحنی به فارسی یا ترکی بر بوستان نوشته‌اند و بر سودی فضل تقدم دارند. از بین آنها سودی بیشتر به رد نظرهای شمعی و سروری پرداخته است. تنها در شرح دیباچه بوستان، سودی بیش از هشتاد مورد آرای این دو شارح را رد کرده است.

آنچه درباره نقد و رد آرای شارحان گذشته در شرح سودی قابل توجه و شایسته انتقاد است، سبک بیان و لحن کلام سودی در این قبیل موارد و نیز اشتباه بودن خود نظریات سودی در مقایسه با نظر شارحان است. روش سودی چنین است که پس از اظهار نظرهای خود درباره معنای یک لغت یا بیت، نظر شارح مورد نظر خود را نقل کرده و نوشته است آن که چنین و چنان گفته «بی سبب گفته» یا «خطا کرده». البته این تعبیر، محترمانه‌ترین الفاظی است که سودی به کار برده است و لحن کلام او گاه

بسیار زننده و غیر مؤدبانه است. از جمله در شرح بیت:

از این کمزنی بود ناپاکرو کلاش به بازار و میزرگرو

نوشته است: «کمزنی: ترکیب وصفی است به معنی عاجز و فرو مانده و مضطرب... آن که «کمزنی» را بدتر از زن معنی کرده، کمتر از زن بوده است. (رد شمعی) آن که در معنی مصراع اول گفته: از این جهت پسر بود بدتر از زن و ناپاکرو، ناپاکی کرده است» (رد شمعی). (ترجمه شرح سودی / ۷۰۸)

چند نمونه دیگر:

وگر بر رفیقان نباشی شفیق به فرسنگ بگریزد از تو رفیق

«محصول بیت: اگر بر دوستان یعنی دوستانت، مشفق و مهربان نباشی، رفیقت از تو به جایی یک فرسنگ دور می‌گریزد... آن که در معنی مصراع ثانی گفته: رفیق از تو به فرسنگ فرار می‌کند از ادای حق، یک فرسنگ دورتر رفته است.» (رد شمعی) (ترجمه شرح سودی / ۱۴)

لطیف کرم گستر کارساز که دارای خلق است و دانای راز

«آن که در مصراع اول «و» عاطفه آورده، طعم لذت زبان فارسی را نچشیده بود (رد سروری) که: حرف رابط صفت است، آن که حرف تعلیل گرفته، معلول بوده است.» (رد شمعی) (ترجمه شرح سودی / ۱۹-۲۰)

شنیدم که شاپور دم درکشید چو خسرو به رسمش قلم درکشید

«... مراد از دم درکشیدن به تکلم در آمدن است، یعنی گفت... آن که گفته: «دم در کشید» یعنی سکوت کرد، غلط گفته است.» (رد شمعی) (ترجمه شرح سودی / ۱۷۴) نظر سودی درباره معنی «دم درکشیدن» کاملاً غلط و نظر شمعی درست است.

نمونه‌های ذکر شده نشان می‌دهد سودی به هیچ روی نمی‌تواند رأی و نظر شارحان دیگر را که در موارد زیادی کاملاً درست یا لاقلاً مانند نظر خود اوست، بپذیرد و تنها به رد آرای آنان هم بسنده نمی‌کند و گویی با نوعی کینه و بغض، صفتی ناشایست نیز به آنها نسبت می‌دهد.

۱-۲-۵- استناد به متون نظم و نثر فارسی و عربی و استشهاد از آنها

سودی در شرح بوستان بیشتر بر رأی و عقیده خود تکیه دارد و در تأیید آن بندرت از متون و منابع دیگر استشهاد و یا به آنها استناد کرده است. البته در مواردی تلمیحات به قرآن و احادیث و امثله عربی را در اشعار سعدی باز جسته و ذکر کرده و ضمن فهرستی در پایان کتاب آورده است. در تمام این شرح مفصل تنها چهار مورد از اشعار فارسی، که با ابیات بوستان شباهت مضمون دارد و چند مورد هم از اشعار ترکی شاهد آورده شده است. اشعار فارسی مورد استناد سودی از مولوی، حافظ، سلمان و دو مورد هم بدون ذکر نام شاعر است.

۱-۲-۶- توجه به آرایه‌های شعری بوستان و یادکرد آنها

این ویژگی در شرح سودی با توجه به حجم آن بسیار بندرت دیده می‌شود. آرایه‌هایی که در این شرح بدان اشاره شده مراعات النظیر، تجنیس، کنایه، تشبیه، ایهام، لف و نشر و ترصیع است. نمونه‌هایی از تعیین نوع آرایه‌ها در شرح سودی:

نهد لعل و فیروزه در صلب سنگ گل لعل بر شاخ پیروزه رنگ

«گل لعل: کنایه از گل سرخ است به طریق تشبیه مطلق.» (ترجمه شرح سودی / ۳۶) به نظر می‌رسد با توجه به معنی گل لعل در فرهنگها که نوعی گل سرخ دانسته شده، تشبیه و کنایه‌ای در آن وجود ندارد.

بشر ماورای جلالش نیافت بصر منتهای کمالش نیافت

«حضرت شیخ در این بیت صنعت ترصیع را رعایت کرده است.» (ترجمه شرح سودی / ۴۲)

به دست کرم آب دریا ببرد به رفعت محل ثریا ببرد

«آب دریا: «آب» در این قبیل موارد به معنی عرض و آبرو است. «آب» در اینجا

خالی از «توریه» نیست.» (ترجمه شرح سودی / ۱۲۸)

نتیجه:

در پایان باید گفت شرح سودی با داشتن فضل تقدم بر سایر شرحها در ایران،

کاستیهایی هم در معنی لغات و ترکیبات و هم در شرح ابیات و بیان نکات دستوری دارد. از آنجا که مخاطب اصلی شارح، غیر فارسی زبانان بوده‌اند، توضیحات تکراری و طولانی درباره لغات ساده، افعال و حروف ارائه شده که برای خواننده فارسی زبان ملال آور است. روی آوردن شارح به تعبیر و تفسیرهای فراوان در شرح ابیات دشوار نه تنها به گشودن ابهام و گره آنها کمک نکرده است، گاه خواننده را دچار سردرگمی بیشتر نیز می‌کند.

همچنین سودی با پافشاری بر صحت نظریات خود، که بعضاً اشتباه یا قابل تأمل است و به کارگیری سبک بیان و لحن کلام نامناسب و غیر مؤدبانه در انتقاد از آرای شارحان بوستان، شرح خود را از جایگاه یک اثر علمی و ادبی پایین آورده است. با این همه باید گفت سودی در پیروی از شیوه‌ای معتدل براساس شرح لفظی و توجه به جنبه‌های معنوی متن بوستان و تلفیقی از این دو موفق بوده است و نیز با وجود ناآشنایی با دقایق و ظرایف زبان و شعر فارسی توانسته است شرحی ارائه کند که مانند شرحهای دیگر او مفیدترین و موفقترین شرح در نوع خود برای غیر فارسی زبانان است.

منابع:

- ۱- انزابی نژاد، رضا و سعید قره‌بگلو، شرح بوستان، انتشارات جامی، چ اول، ۱۳۷۸.
- ۲- انوری، حسن و احمد گیوی، دستور زبان فارسی (ویرایش دوم)، انتشارات فاطمی، چ بیستم، ۱۳۷۷.
- ۳- ایران پرست، نورالله، بوستان سعدی (پس از مقابله هفت نسخه خطی و ده نسخه چاپی)، تهران، دانش، ۱۳۵۲.
- ۴- جلالی نائینی، سید محمدرضا، بوستان سعدی (تصحیح و حاشیه‌نگاری)، چاپخانه اقبال، ۱۳۱۷.
- ۵- حسن لی، کاوس، «سعدی پژوهی در سده اخیر»، کتاب ماه (ادبیات و فلسفه)، س سوم، ش ۵ و ۶ (فروردین ۱۳۷۹).
- ۶- خزائلی، محمد، شرح بوستان، انتشارات جاویدان، چ چهارم، پاییز ۱۳۶۲.

- ۷- دشتی، علی، قلمرو سعدی، انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، بی تا.
- ۸- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید، ۱۳۷۷.
- ۹- زرین کوب، عبدالحسین، با کاروان حله، انتشارات علمی، چ نهم، ۱۳۷۴.
- ۱۰- زرین کوب، عبدالحسین، یادداشتها و اندیشه‌ها، انتشارات جاویدان، چ چهارم، ۱۳۶۲.
- ۱۱- سودی بسنوی، محمد، شرح گلستان سعدی، ترجمه حیدر خوش طینت و زین العابدین چاوشی و...، تبریز، ۱۳۴۹.
- ۱۲- سودی بسنوی، محمد، شرح بوستان سعدی، ترجمه و تهیه متن انتقادی از دکتر اکبر بهروز، تبریز، ۱۳۵۲.
- ۱۳- قریب، عبدالعظیم، بوستان سعدی (تصحیح و حاشیه نگاری) چاپخانه مجلس، چ اول، ۱۳۲۸.
- ۱۴- منزوی، احمد، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، اضافات و تجدید نظر عارف نو شاهی، مجلد چهاردهم، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۵.
- ۱۵- ناصح، محمد علی، شرح بوستان سعدی، به کوشش دکتر خطیب رهبر، انتشارات صفی علیشاه، چ پنجم، ۱۳۷۹.
- ۱۶- یازیچی، تحسین، «اهمیت آثار سعدی در امپراتوری عثمانی و دوران جمهوریت ترکیه»، ذکر جمیل سعدی، ج سوم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ چهارم، پاییز ۱۳۷۴.
- ۱۷- یوسفی، غلامحسین، بوستان سعدی (تصحیح و توضیح)، انتشارات خوارزمی، چ ششم، ۱۳۷۹.